

جوادی یگانه، محمدرضا و مجید فولادیان (۱۳۹۰) «تنبلی اجتماعی و عوامل موثر بر آن» مجله جامعه شناسی ایران. دوره دوازدهم. شماره ۳. زمستان ۱۳۹۰. صص ۱۰۹-۱۳۷.

تنبلی اجتماعی و عوامل موثر بر آن

محمدرضا جوادی یگانه

دانشیار جامعه شناسی دانشگاه تهران

myeghaneh@ut.ac.ir

مجید فولادیان

دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه تهران

m.fouladiyan@gmail.com

چکیده

تنبلی اجتماعی از مواردی است که به ایرانیان نسبت داده می شود و در سالهای اخیر مورد توجه قرار گرفته است و نمودهای آن نیز در جامعه ایران موجود است، از جمله پایین بودن بهره وری کار، تعطیلات فراوان، اضافه وزن و کم تحرکی. علیرغم اهمیت این موضوع، تاکنون پژوهش جامعه شناختی مستقیمی در باره آن انجام نشده است. مقاله حاضر میزان و عوامل موثر بر تنبلی اجتماعی را در قالب یک مفهوم در چارچوب نظریه انتخاب عقلانی بررسی می کند. روش تحقیق پیمایش بر روی ۱۲۵۶ شهروند تهرانی بوده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که حداقل میزان گرایش به تنبلی در تهران ۲۰ درصد است. تفسیر این یافته، روند گرایش به تنبلی در تهران را رو به افزایش نمی داند. مهمترین عوامل موثر بر تنبلی در تحلیل های چندمتغیره عبارت است از تقدیرگرایی، احساس بی قدرتی و خودمداری. نتیجه نهایی این است که پایین بودن میزان تمایل به تنبلی در تهران، نشانه پایین بودن میزان تنبلی نیست، چون وضعیت اجتماعی، تسهیل کننده تنبلی در جامعه است.

کلیدواژه: تنبلی اجتماعی، اهمال کاری، خلیقات منفی، تقدیرگرایی، انتخاب عقلانی

جامعه ایرانی در یکی دو دهه اخیر، از سوی صاحب نظران و مسئولان مورد نقد قرار گرفته و انتقادات زیادی به رفتار اجتماعی مردم وارد شده است. یکی از انتقاداتی که از سوی آنان وارد شده، «تنبلی» است. شواهد ارائه شده برای وجود تنبلی در ایران و رواج زیاد آن، قابل تامل است. برخی از این شواهد عبارت است از: عدم تمایل به درس خواندن در مدارس و دانشگاه ها، میزان کار اداری و بهره وری کارمندان، میزان بالای تماشای تلویزیون در ایران به جای کتابخوانی، تمایل زیاد به استخدام در دستگاه دولتی و عدم تمایل برای کسب تخصص و مهارت و کارآفرینی، وجود تعطیلی فراوان سالانه، شیوع پدیده ای به نام «بین‌التعطیلین». اما

این شواهد و آن نظرات، تاکنون کمتر مورد آزمون علمی واقع شده است و درست تر اینکه تاکنون پژوهش خاصی در باره تنبلی در ایران انجام نشده است. لذا آنچه در باره «خلقیات فاسد ایرانیان» و بویژه تنبلی ارائه شده، بیشتر بر پایه نظرات و شواهد و مشاهدات فردی استوار است. برای تبیین این مساله، در این مقاله قصد ما بر این است که میزان و نوع تنبلی را بدست آوریم، تا معین شود که اگر در ایران تنبلی وجود دارد، چه نوعی از تنبلی بیشتر رواج دارد؛ تنبلی در سطح فردی و بر پایه دلایل شخصیتی است، یا تنبلی در سطح فردی و بر پایه دلایل اجتماعی، و یا اینکه مساله اساسا در سطح ساختاری و کلان است و تنبلی بیش از آنکه فردی باشد اجتماعی قلمداد شود.

پیشینه طرح مباحث تنبلی در ایران و جهان

با وجود اهمیت زیاد مسئله تنبلی، تاکنون تحقیق و حتی مقاله جامعی پیرامون تنبلی در ایران انجام نشده است. البته برخی متون در باب خلقیات منفی ایرانیان و در ذیل آن تنبلی اجتماعی موجود است، مانند جمالزاده (۱۳۴۵)، بازرگان (۱۳۵۷)، قاضی مرادی (۱۳۷۸؛ ۱۳۸۶)، چلبی (۱۳۸۱)، و به صورت تلویحی در بیمن (۱۳۸۱). بعلاوه منابع تاریخی فراوانی موجود است که از میان آنها، بصورت خاص می توان به سفرنامه های فرنگیان اشاره کرد که خصایص منفی ایرانیان را ذکر کرده اند و در بسیاری از آنها تنبلی نیز ذکر شده است. (برخی از مهمترین این مشاهدات عبارت است از: پولاک، ۱۳۶۱: ۱۱۷، ۱۶۹، ۱۰۲؛ دروویل، ۱۳۶۴: ۴۰، ۹۴؛ شاردن، ۱۳۴۹: ۳۴۹، ۷۶۳، ۲۴۵؛ دوراند، ۱۳۴۶: ۳۶؛ سرن، ۱۳۶۲: ۳۹۶؛ فوربز-لیث، ۱۳۶۶: ۱۳۱؛ گوبینو، ۱۳۶۷: ۲۱۸) همچنین کتاب هایی نیز در حوزه روانشناختی به تنبلی (با عنوان تخصصی «اهمال کاری») پرداخته اند که از مهمترین آنها به فارسی می شود به آلیس و جیمز نال (۱۳۷۵)، بلس (۱۳۸۶) و آقانه‌رانی (۱۳۸۳) اشاره نمود و البته با این رویکرد، کتاب های کاربردی فراوانی نیز در این باره منتشر شده که معروفترین آنها کتاب برایان تریسی با نام *قورباغه ات را قورت بده* (۱۳۸۸) است که به چاپ بیست و چهارم نیز رسیده است، که همین امر نیز نشان از اهمیت و رواج مساله تنبلی در ایران و تلاش برای رفع آن دارد. علی اکبر ارجمندنیا (۱۳۸۸) نیز در مقاله ای با عنوان «تاملی بر پدیده تنبلی اجتماعی» بحث مستوفایی از حیث روانشناختی به این مساله دارد، که البته علیرغم عنوان آن، «اجتماعی» بودن تنبلی دیده نشده است و تنها بحث پخش مسئولیت و عدم همکاری در گروه مورد بررسی قرار گرفته است.

در باب پژوهش های انجام شده نیز، هر چند تحقیقی که مستقیما به موضوع تنبلی بپردازد، یافت نشد، اما می توان تحقیقاتی که با این موضوع ارتباط نزدیک دارند، ذکر کرد که در آنها هر چند مفهوم تنبلی ذکر نشده است، اما مفاهیم نزدیک با آن مانند سهل انگاری، سستی و نیاز به موفقیت (مک کله لند، ۱۹۶۱)، کرختی (باتسن به نقل از چلبی، ۱۳۸۱)، کم کاری و کاهش مسئولیت فردی (ویلیامز و کارائو، ۱۹۹۳)، فردگرایی (وود، ۱۹۸۷) و وظیفه شناسی (گلدبرگ، ۱۹۹۰) حس همکاری (دیگمن، ۱۹۹۰)، به عنوان متغییر اصلی مورد بررسی و تبیین قرار گرفته اند. کار حسین العطاس (۱۹۷۷) نیز بیش از آنکه پژوهشی در باره تنبلی باشد، تحقیقی در حوزه شرق شناسی است و توجیهی برای اینکه چرا مالایی ها، تنبل «تعریف» شده اند. در نتیجه، فقدان پژوهش مستقلی در باره تنبلی ضرورت بررسی بیشتر در باره آن را تبیین می کند.

مبانی نظری و مفهومی

تعریف تنبلی: تنبلی به معنای تن‌پروری، بیکارگی، کاهلی و اهمال و سستی به کار رفته است. (مشیری، فرهنگ فارسی ج ۱: ۱۱۴۷) برخی جامعه‌شناسان «تنبلی اجتماعی» (social laziness) و کرختی و رخوت اجتماعی (social inertia) را مترادف دانسته و رشد کند حرکت اجتماع را «تنبلی اجتماعی» نامیده‌اند. در این تعاریف مضمون‌هایی مثل عدم پذیرش تحولات جدید و قبول تداوم حرکت‌های نامنطبق با حیات اجتماعی را از مختصات تعاریف «تنبلی اجتماعی» می‌دانند. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۰۷) مفاهیم عربی مترادف تنبلی و اهمال کاری (آقاتهرانی، ۱۳۸۳) نیز عبارت است از: کسل، ضجر، تهاون، ممالطه، تسویف، و ابطاء. تنبلی یا سستی (فتور) از نظر لغوی به دو معنی استفاده می‌شود: دست کشیدن پس از استمرار در کاری، یا سکون بعد از حرکت و جنبش؛ و کسالت، بی‌حالی، یا سستی و تنبلی پس از شادابی و کوشش. از لحاظ اصطلاحی نیز تنبلی، دردی است که ممکن است گریبانگیر بعضی اشخاص دارای فعالیت و کار گردد. البته هر انسانی احتمالاً دچار آن می‌گردد. درجه پایین آن، کسالت، سستی یا تنبلی است و درجه شدیدتر آن: دست کشیدن از کار و آرام و سکون گرفتن پس از شور و شوق مداوم و تحرک و فعالیت پیوسته می‌باشد.

در فقدان تعاریف پذیرفته شده برای «تنبلی» در حوزه جامعه‌شناسی، پیش از هر تعریفی، ابتدا باید رویکرد روشنی برای تعریف تنبلی یافت. به نظر ما «نظریه انتخاب عقلانی» rational Choice Theory نظریه مناسبی برای این موضوع است. (برای توضیح بیشتر در باره نظریه انتخاب عقلانی، نگاه کنید به جوادی یگانه، ۱۳۸۷)

می‌توان تنبلی را یک کنش عقلانی در نظر گرفت. در نظریه انتخاب عقلانی، جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنش عقلانی معطوف به هدف دارند. این افراد آگاه و مختار و هدف‌مند در هر شرایطی بدنبال بیشینه کردن سود خود با کمترین هزینه هستند. (لیتل، ۱۳۷۳؛ کلمن، ۱۳۷۷) از سوی دیگر کنش عقلانی ابزاری، از لحاظ روش‌شناختی مقدم است. هنگامی که سعی داریم یک کنش را درک کنیم، همیشه باید باین فرض شروع کنیم که باید با کنش عقلانی سروکار داشته باشیم. مطابق تعریف وبر در یک کنش عقلانی معطوف به هدف جهت‌گیری کنش افراد بر این انتظار مبتنی است که اشیای وضعیت بیرونی یا سایر افراد، به نحو معینی رفتار خواهند کرد و از چنین انتظاراتی، به مثابه «شرایط» یا «وسایل» تحقق موفقیت‌آمیز هدف‌هایی که بطرز عقلانی توسط خود فرد انتخاب شده‌اند، استفاده می‌شود. (وبر، ۱۳۷۴)

اگر تنبلی را پدیده‌ای اجتماعی بدانیم، قاعدتاً طبق نظریه فوق می‌بایست آن را نوعی کنش عقلانی معطوف به هدف ارزیابی کنیم، چرا که کنش‌های بسیاری از کنشگران در اجتماع از این نوعند. حال می‌باید به این مساله بپردازیم که چه عواملی باعث شده است که کنش‌های مبتنی بر تنبلی، عقلانی و سودآور جلوه کرده و کنشگران را به سوی خود جلب کند. مطابق آنچه از وبر آورده شد، اگر تنبلی نوعی کنش عقلانی ابزاری باشد، شرایط و وسایلی در جامعه وجود دارد که تحقق و شیوع این نوع کنش را موفقیت‌آمیز می‌کند. از جمله این شرایط و وسایل می‌توان به نبود یا ضعف نظارت (اجتماعی - قانونی) بر عملکرد صحیح افراد در نقش‌های مختلف، ضعف قانون‌گرایی، ضدارزش نبودن تنبلی و مصادیق مختلف آن و ... اشاره کرد، که توضیح بیشتر این شرایط در ادامه خواهد آمد. پس جهت‌گیری مردم نسبت به کاهلی و تنبلی (از یک منظر) حاصل ترجیح عاقلانه کنشگری است که تحت شرایط خاص محیط شکل می‌گیرد. افراد و کنشگران اجتماعی در این زمینه به محاسبه سود و زیان عمل می‌پردازند. و سپس، دست به عمل می‌زنند. اما، سنجش سود و زیان، و اینکه چه چیزی را سود تلقی کنند و چه چیزی را زیان، به متغیرهای عینی و محیطی بر می‌گردد.

چون در حوزه مطالعات جامعه شناختی، تعریف مشخصی از تنبلی وجود ندارد. بنابر این، ما در این تحقیق، بر اساس بصیرت از مطالعات قبلی و در چارچوب نظریه انتخاب عقلانی و با الهام از نظریات ریمون بودن (۱۳۶۴)، تنبلی را به دو صورت «تنبلی فردی» و «تنبلی اجتماعی» طبقه بندی کرده و سپس تعریف می کنیم:

الف) تنبلی فردی (که از آن، علاوه بر laziness به temporal dilemma هم یاد شده) (چاتیاس، سولودکین و بارون، ۱۹۹۸) حالتی است که فرد میان دو انتخاب مخیر می شود، یکی لذت آنی و دیگری نفعی شخصی در آینده که برای کسب آن نفع، باید از این لذت گذشت. درس خواندن در ایام نوجوانی و جوانی برای فراگیری دانش، قبولی در کنکور و کسب تخصص، نمونه هایی از نفع هایی است که برای آن باید از گفت و شنودهای دوستانه، خواب شبانه، تفریحات، تماشای تلویزیون و... گذشت. انتخاب کردن و نیز علم به زیان آور بودن انتخاب لذت فعلی و سودمند بودن نفع آینده ابعاد مهم تعریف تنبلی هستند. انتخاب در اینجا به معنای آن است که یک کنشگر عاقل، بصورت نسبی از مزایا و معایب هر دو گزینه آگاه است، یعنی می داند که الان چه می کند و می داند که انتخاب لذت آنی در زمان حال، چه زبانی برای فرد در آینده دارد، و با علم به این دو گزینه، «انتخاب» می کند. البته در بسیاری موارد، رفتار و انتخاب فرد از نظر ناظر بیرونی، مصداق تنبلی است، اما فرد رفتار خود را تنبلی نمی داند، یا آنچنان که باید، از عواقب رفتار خود آگاه نیست. در این صورت، باید با تربیت یا حتی اجبار وی را به سمت گزینه درست رهنمون شد.

نکته دیگر اینکه گاه فرد، به دلیل تعارض شناختی، وقتی بدنبال لذت آنی هست، مزیت های نفع آنی را کمتر از حد واقعی برآورد می کند و نیز زیان های عدم دنبال کردن نفع آنی و بی عملی و لذت طلبی آنی را نیز کمتر برآورد می کند. علاوه بر آن، محاسباتی را وارد می کند که غیرمعقول است، مانند وقتی که فرد مراجعه به دندانپزشک برای معاینه دندان خود را به عقب می اندازد و همواره امیدوار است که رشد علم و تکنولوژی در آینده، این تنبلی وی را جبران کند. همچنین، فرد گاه اصولا محاسبه را کنار می گذارد و اصلا توجهی به عمل خود ندارد، چون با هر محاسبه ای، رفتار وی غلط است؛ لذا کار را به فردا واگذار می کند (چو فردا شود فکر فردا کنیم)، یا برنامه ریزی می کند که از «شنبه» بصورت جدی، مثلا درس خواندن را آغاز کند، شنبه ای که هرگز نخواهد آمد و مهم این است که «لان» نیست و لذا وجدان فرد آسوده است. به این فرایند، که نفس بر سر خود کلاه می گذارد، «تسويف» می گویند.

ب) نوع دیگر تنبلی، تنبلی اجتماعی است. تنبلی اجتماعی گاه محصول تنبلی افراد جامعه و برآیند تنبلی آنها است. یعنی وقتی کثیری از افراد، بی عمل و لذت طلب هستند، در سطح جامعه نیز این فرایند مشاهده می شود (این امر، به بیان بودن (۱۳۶۴) «اثر تشدیدکنندگی منتهجه نظام های وابستگی متقابل» است). پایین بودن سطح بهره وری اداری، عدم اقبال به کار طولانی مدت و سخت و... و پدیده نوظهوری به نام بین تعطیلین، از این نمونه است. بین تعطیلین وقتی است که تمام افراد جامعه تمایل به تنبلی دارند و نظام اداری هم از آن تبعیت می کند، یا تعطیلی روزنامه ها و ادارات (بصورت غیررسمی) در پانزده روز اول فروردین و در بین تعطیلین.

ج) اما بعد دیگر تنبلی اجتماعی حالتی است که ریمون بودن در کتاب *منطق اجتماعی* (۱۳۶۴) آن را «اثر منتهجه نظام های وابستگی متقابل» می داند. یعنی افراد در سطح فردی رفتاری نسبتا مطلوب دارند، اما این رفتار در سطح جمعی به نتیجه مطلوب منتج نمی شود. دلیل آنها ناهماهنگی در سطح نهادهای اجتماعی است. فرضا وقتی که تلویزیون برنامه های جذاب و آگهی های

طولانی مدت خوشساخت پخش می کند، هدف آن در اینجا کسب درآمد و جذب مخاطب است ولی در عوض مخاطب خردسال و نوجوان بجای انجام تکالیف، به تماشای تلویزیون جذب می شود، و محصول آن، عدم موفقیت نظام آموزشی است. زیاد بودن میزان تعطیلات در ایران، نمونه ای از این نوع از تنبلی است. یعنی برعکس بین التعطیلین که خواست عمومی است، تعطیلات رسمی در ایران، پدیده ای است که دلایل (عمدتاً) مذهبی دارد، اما نتیجه آن وقفه های زیان آور در فرایند کار است و در نتیجه پایین آمدن بهره وری، یا عادت به کار منظم.

این سه نوع از رفتار می تواند به عنوان صورت های تنبلی اجتماعی قلمداد شود، اما برخی از انواع صوری که امروزه از آن به عنوان تنبلی یاد می شود، در موقعیت هایی است که فرد وقتی قرار است کاری را برای دیگران انجام دهد، تنبلی می کند؛ ولی همین فرد آنگاه کاری که مربوط به خودش باشد تنبل نیست. ادبیات رایج در باب تنبلی اجتماعی در دنیا، بیشتر به موضوع کارگران و تنبلی در محیط کار باز می گردد (مثلاً: کیم، ۱۹۹۸؛ گلداسمیت و پسونر، ۲۰۰۲؛ استر و دیگران، ۲۰۰۳). که از نوعی است که ذکر شد. اما، با دقت بیشتر در این موارد، نمی توان آنها را تنبلی به حساب آورد، بلکه اینجا، بیشتر سهل انگاری و سهل گیری کارفرما و فقدان وجدان کاری کارگران است و نه تنبلی اجتماعی. و این یک مساله اجتماعی هست، اما از نوع تعهد اجتماعی و وجدان کاری است نه تنبلی اجتماعی.

در نهایت، بر اساس توضیحات پیشین، دو تعریف متفاوت از تنبلی می توان ارائه کرد: «تنبلی، الف) تمدید یا کش دادن یا اطاله وضعیت فعلی و عدم تمایل به تغییر رفتار یا وضعیت است، که نوعی «بی عملی» است و رخوت و رکود. مثل فردی که در یک ترافیک شلوغ از تاکسی پیاده نمی شود یا در زمان پخش آگهی های تلویزیونی، سر جای خود می ماند و آن را می بیند. و ب) تسویف یا انتخاب لذت آنی بر نفع فردی آتی است. تنبلی در اینجا «رفتار» است مثل رفتن به پیک نیک یا کافی شاپ و... بر این اساس، گاه بر هم زدن وضع موجود تنبلی است. درس خواندن مداوم یا کار کردن مداوم حفظ وضع موجود است و رها کردن آن، تنبلی است.»

عوامل موثر بر تنبلی: تنبلی به عنوان یک رفتار اجتماعی، متأثر از عوامل بسیاری است که تلاش شده بخشی از مهمترین آنها در ادامه تبیین شود. این مجموعه ترکیبی از نظریات جامعه شناختی با ویژگی های جامعه ایران است و به دلیل اینکه تاکنون تحقیق مشخصی در باره تنبلی در ایران (و جهان) انجام نشده است، این تحقیق، کارکرد اولیه دارد و لذا از گزینش یک رویکرد نظری مشخص در شناسایی عوامل موثر بر تنبلی اجتناب شده است:

۱- ساختار اجتماعی: اودن (۲۰۰۱) معتقد است که کنشهای افراد تحت تاثیر ساختارهای اجتماعی یعنی راههای پیش روی افراد برای کنش (پارسونز، ۱۹۵۱، کلمن، ۱۳۷۷) و نیز محدودیت های شناختی (بودن، ۱۹۹۸) و نیز هنجارها و ارزشهای اجتماعی (پارسونز، ۱۹۶۸، الستر، ۱۹۸۹) است، و افراد در چارچوب عوامل یادشده دست به کنش می زنند. از این رو در باب موضوع تنبلی، بر اساس شواهد از جامعه ایران و بر اساس استنتاج از نظریه های مرتبط، گزاره های زیر را می توان بیان کرد:

- تنبلی در بسیاری از ساحت های جامعه مخصوصاً سازمانهای اجتماعی، ناشی از ضعف نظارت بر عملکرد افراد است. به عبارت دیگر اگر افراد مایل باشند که برای فرار از انجام مسئولیت (نفع فردی) تنبلی کنند، ضعف یا نبود نظارت بر عملکرد ایشان، به عنوان یک عامل ساختاری، موجد و تشدید کننده این رفتار است.

- تنبلی در بسیاری از مصادیق آن، در جامعه ایران یک ضد ارزش نیست (اگر ارزش محسوب نشود) و لذا است که نمی‌توان با کنترل اجتماعی آن را محدود و مهار کرد.

- بسیاری از اعمال و کنشهای مردم با اینکه از مصادیق تنبلی است، اما چنین تصویری از سوی کنشگران درباره آنها وجود ندارد. بنابراین در این موارد حتی اگر تنبلی تبدیل به یک ضدارزش هم بشود، نمی‌توان انتظار داشت که فراوانی ارتکاب آن در جامعه کم شود.

۲- جدایی دولت-ملت: در تاریخ سیاسی اجتماعی ایران، چون همه حقوق اساسا در انحصار دولت بود، همه وظایف نیز اساسا بر عهده دولت قرار می‌گرفت. و نیز بر عکس، چون مردم اصولا حقی نداشتند، وظیفه‌ای در برابر دولت برای خود قائل نبودند. (کاتوزیان، ۱۳۷۹) و لذا رشد ملیت به معنای خانوادگی و محلی وجود داشته و طبیعی و قوی بوده است، ولی مملکت و دولت برای افراد بیگانه و تحمیلی بوده است. (بازرگان، ۱۳۵۷) حال اگر این سابقه و ذهنیت تاریخی را با وضعیت امروز جامعه که در آن گستره حضور و منافع دولت بسیار بیش از گذشته شده و حوزه‌های عملکردی افراد در بسیاری از موارد (چه حوزه‌های مرتبط با شغل و چه اوقات فراغت) پیوسته و متداخل و مرتبط با دولت است، پیوند دهیم، می‌توان گفت که بسیاری از موارد تنبلی و فرار از مسئولیت افراد، ناشی از عدم اعتماد و دل‌بستگی به دولت و جدا دانستن مردم و دولت می‌باشد.

۳- فقدان قانون: در تاریخ ایران چون مردم پیوسته در معرض تجاوز بوده اند، نمی‌توانسته اند تصویر روشنی از آینده در ذهن خود بپروراندند... لذا افراد به سمت نان به نرخ روز خوری و خوش بودن در لحظه کشیده شده اند. (بازرگان، ۱۳۵۷) از سوی دیگر قانون -یعنی چارچوبی که تصمیمات دولت به حدود آن محدود و (در نتیجه) قابل پیش‌بینی باشد- وجود نداشت، «قانون» عبارت از رای شاه بوده که می‌توانست هر لحظه تغییر کند. (کاتوزیان، ۱۳۷۹) لذا چون اطمینان به آینده نیست، لذا هر گونه طرح و تدارکی که متضمن مطالعه قبلی و ادامه بعدی و نتیجه‌گیری نهایی باشد، پیشاپیش مردود بوده و تنها راه‌هایی رواج داشته که یک شبه ره صدساله را بپیماید. ادامه همین روحیه و ذهنیت تاریخی در باورهای ایرانیان، موجب رواج تنبلی در برخی از مصادیق آن مثل تمایل به راههای میان بر و سریع و بدون تلاش برای کسب ثروت و .. (مثل گلدکوئست) و نیز پرهیز از برنامه ریزی‌های طولانی مدت و چشم پوشی از لذات آنی برای دستیابی به آن است. بسیاری از عملکردهای دولت در روزگار معاصر مثل نبود رویه های قانونی واحد و دراز مدت برای امور، تغییرات یک‌شبه و بدون مقدمه قانون، یکسان نبودن همه در برابر قانون، رواج رانت‌خواری‌ها و ... نیز تشدید کننده و تداوم دهنده این باور است.

۴- تقدیرگرایی: در میان ارزشهای فرهنگی ایرانیان، تقدیرگرایی جایگاه مهمی دارد. (مقدمه مرتضی مطهری بر انسان و سرنوشت (۱۳۶۷) با عنوان «عظمت و انحطاط مسلمین») تقدیرگرایی عبارتست از «درک فرد نسبت به عدم توانایی‌اش در مورد کنترل آینده» (راجرز، ۱۹۶۶: ۲۷۳). یعنی روحیه‌ای ناشی از اشاعه ناامنی و احساسی که بر هیچ کس و هیچ چیز حتی به خود نمی‌توان تکیه کرد می‌داند. بنابراین در بدبختی‌ها و موفقیت‌ها تنها سرنوشت مورد سرزنش قرار می‌گیرد و یا اعتبار می‌یابد (ازکیا، ۱۳۷۰: ۵۴)

تنبلی ارتباط مستقیمی با تقدیرگرایی دارد. چراکه فرد تقدیرگرا آموخته است که خواه بکوشد و خواه نکوشد، نمی‌تواند بر سرنوشت خود و اعمالش تسلط پیدا کند و نتیجه کار او ارتباطی با میزان کار و تلاش او ندارد و بیشتر به عواملی مثل تقدیر، سرنوشت، بخت و اقبال، شانس، قضا و قدر الهی، قسمت و ... بستگی دارد. بنابراین در این حالت، فرد فاقد انگیزه لازم برای تلاش و پویایی بیشتر است. پس تقدیرگرایی دارای همبستگی مستقیم با احساس تنبلی و فتور است. (راجرز، ۱۹۶۶؛ لوین، ۲۰۰۰)

عوامل بسیاری بر تقدیرگرایی (و لذا تنبلی) تاثیر می‌گذارند که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: احساس ناامنی در ابعاد مختلف آن (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، شغلی، و...) (ورستیک ۲۰۰۲: ۲؛ ازکیا، ۱۳۷۱)؛ ساخت سنتی و مقتدرانه خانواده که جوانها را افرادی بی‌اراده، وابسته و مطیع بار می‌آورد (لوپس، ۱۳۷۴)؛ پایین بودن سطح سواد و تحصیلات (محسنی تبریزی، ۱۳۷۶)؛ تعالیم و آموزه‌های خاص مذهبی مبتنی بر جبر و تقدیر و نیز بی‌ارزش بودن دنیا و نظایر آن (زینر، ۱۹۷۲)؛ تجربه یا مشاهده عدم موفقیت در کارها با وجود برنامه ریزی و تلاش (باندورا، ۱۹۸۶)؛ زندگی تحت ظلم و ستم و تبعیض (زینر، ۱۹۷۲)؛ احساس بی‌قدرتی یعنی احساس فردی که قادر به نفوذ و تاثیرگذاری بر جریان‌ات و امور نیست. (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۴۰۷)

۵- خوداثربخشی: احساس خوداثربخشی یک فرآیند ذهنی و ادراکی است که شامل شناسایی هدف، برآورد تلاش و توانایی‌های لازم برای رسیدن به آن هدف و نیز پیش‌بینی نتایج آن می‌شود. (استیپک و وایز، ۱۹۸۱) این احساس متوجه مهارت‌های فردی نیست، بلکه بر قضاوت‌های فرد در مورد اینکه با مهارت‌هایش قادر به انجام چه امور و کارهایی است تکیه دارد. (باندورا، ۱۹۸۶) بنظر می‌رسد که می‌توان احساس خوداثربخشی را در ارتباط معکوس با میزان تنبلی قلمداد کرد، چرا که علاوه بر اینکه احساس خوداثربخشی پایین (که می‌تواند ناشی از تجربه شکست خود فرد یا مشاهده شکست دیگران باشد) منجر به احساس فتور و تنبلی (بخاطر عدم انگیزه برای تلاش کافی) می‌شود؛ پایین بودن این احساس می‌تواند باعث پناه بردن شخص به اندیشه‌ها و ذهنیات تقدیرگرایانه شده و از این راه بر میزان تنبلی بیفزاید.

۶- بی‌قدرتی: احساس بی‌قدرتی (Powerlessness) به حالتی اطلاق می‌شود که فرد احساس می‌کند در وضعیت‌های اجتماعی و کنش متقابل خود تاثیرگذار نیست، یعنی قادر به تحت تاثیر قراردادن محیط اجتماعی خود نباشد. (ستوده، ۱۳۸۰: ۲۴۴) این پندار از بیگانگی از دیدگاه مارکسیست‌ها ناشی از شرایط زندگی کارگران در جامعه سرمایه‌داری است. این مفهوم شباهت زیادی با تقدیرگرایی دارد و همان حالت را در کنشگر بیان می‌کند؛ با این تفاوت که مارکسیست‌ها در این حالت فرد را نه دلبسته و مقهور عوامل مابعدالطبیعی مثل تقدیر، بلکه اسیر روابط اجتماعی و ساختار طبقاتی نابرابر و مبتنی بر استثمار می‌بینند. اما به هر حال در نتیجه این احساس بر کنش‌های افراد، تفاوتی میان منشا این احساس نیست. اگرچه ممکن است در حالت دوم ناامیدی بیشتری بر کنشگر حاکم باشد.

اگرچه مارکسیست‌ها بوجود آمدن این حالت را ناشی از شرایط نابرابر جامعه سرمایه‌داری می‌دانند، اما می‌توان در نگاهی دیگر، آن را ناشی از ساخت استبدادزده جوامع ماقبل سرمایه‌داری هم بدانیم. چنانکه مثلاً در تاریخ کشوری مثل ایران، هرگاه ظلم و ستم و استبداد دستگاه حاکم اوج می‌گرفته یا کشور عرصه تاخت و تاز اقوام جنگجو و بیگانه قرار می‌گرفته، اندیشه‌ها و مکاتب مبتنی بر جبرگرایی مثل اشعریت و صوفی‌گری رواج می‌یافته است که تعالیشان سراسر بر پایه اعتقاد به مجبور و محکوم بودن و بی‌قدرتی انسان بنا شده‌است.

۷- بیگانگی اجتماعی: بیگانگی اجتماعی عبارت است از حالتی برای افراد که، احساس می‌کنند نظام اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند خردکننده است و مغایر با برخی نیازمندیهایشان می‌باشد، بطوریکه باعث جدایی و عدم تعلق آنها نسبت به آن شده است و حتی بعضاً سعی در نفی نظام اجتماعی و ضوابط حاکم بر آن دارند. (تاویس به نقل از ربانی، ۱۳۷۲: ۴۱) این نوع بیگانگی که شباهت زیادی با انواع آرمانی انحراف و همنوایی مرتون دارد و نیز با نظریه آنومی دورکیم نیز شباهتهایی پیدا می‌کند، می‌تواند قسمتی از دلایل تنبلی در جامعه معاصر ایرانی را تبیین کند، بدینصورت که افرادی که دچار این نوع بیگانگی می‌شوند، چون نسبت به جامعه و اهداف آن حالت انزوا و بیگانگی پیدا می‌کنند و احساس عدم همبستگی می‌نمایند، فاقد انگیزه‌های لازم برای

تلاش در جهت تحقق اهداف اجتماعی نظیر پیشرفت، قانون‌گرایی و ... می‌شوند. بدیهی است که ممکن است این افراد در پیگیری اهداف و منافع شخصی خود چنین (تنبل) نباشند.

۸- بی‌هنجاری: دورکیم بی‌هنجاری را به مفهوم فقدان اجماع درباره اهداف اجتماعی و انتظارات جمعی و آنچه جامعه به عنوان قواعد و الگوهای عمل برای اعضای خود متصور شده است بکار می‌برد. دورکیم عقیده دارد که حدود خواسته‌های فرد در جامعه تابع هنجارهای خاصی است و در صورتی که هنجارهای جامعه دچار شکستگی و گسستگی شوند، فرد دیگر قادر نیست در پیروی از قوانین، هدف‌ها و رفتارهای خود را تنظیم کند. (دورکیم، ۱۳۷۸) مرتون نیز در تکمیل نظریه دورکیم به حالتی اشاره می‌کند که در آن فرد نه در اهداف بلکه در وسایل نیل بدانها با فرهنگ جامعه در تضاد است و ممکن است طرق و وسایل جدیدی را جهت نیل به اهداف فرهنگی مقرر در نظر گیرد. وی این حالت را بدعت و نوآوری می‌نامد. (مرتون، ۱۳۷۶) بر اساس این نظریه، در جامعه‌ای که منابعی مثل ثروت یا قدرت یا مدرک یا مقام و ... ارزش و اعتبار فراوان داشته باشد، اما جامعه راه‌های دستیابی به آنها را کنترل نکند (یا نتواند کنترل کند) و در نظر بیشتر افراد جامعه، صرف رسیدن به این اهداف مهم باشد و نه وسیله دستیابی به آنها، و نیز اگر وسایل نیل به این اهداف تنها در اختیار عده‌ای خاص یا طبقه بخصوصی باشد و یا حتی اگر عده‌ای بدون مانع و با استفاده از طرق غیر مشروع و بدون سعی و تلاش صادقانه به این منابع دست پیدا کرده و در جامعه شاخص شده باشند، بدون اینکه مانعی بر سر راه آنها باشد، میل به دستیابی به این منابع از طرق میان‌بر و با استفاده از وسایل چه بسا نامشروع و بدون تلاش و لیاقت فردی، افزایش خواهد یافت و در مقابل انگیزه افراد برای تلاش و پویایی جدی و صادقانه برای نیل به این اهداف کمرنگ خواهد شد. لذا بیش از اینکه بی‌هنجاری نقش مستقیمی در تنبلی اجتماعی داشته باشد، در از بین بردن انگیزه‌های افراد برای اقدام، تاثیر دارد.

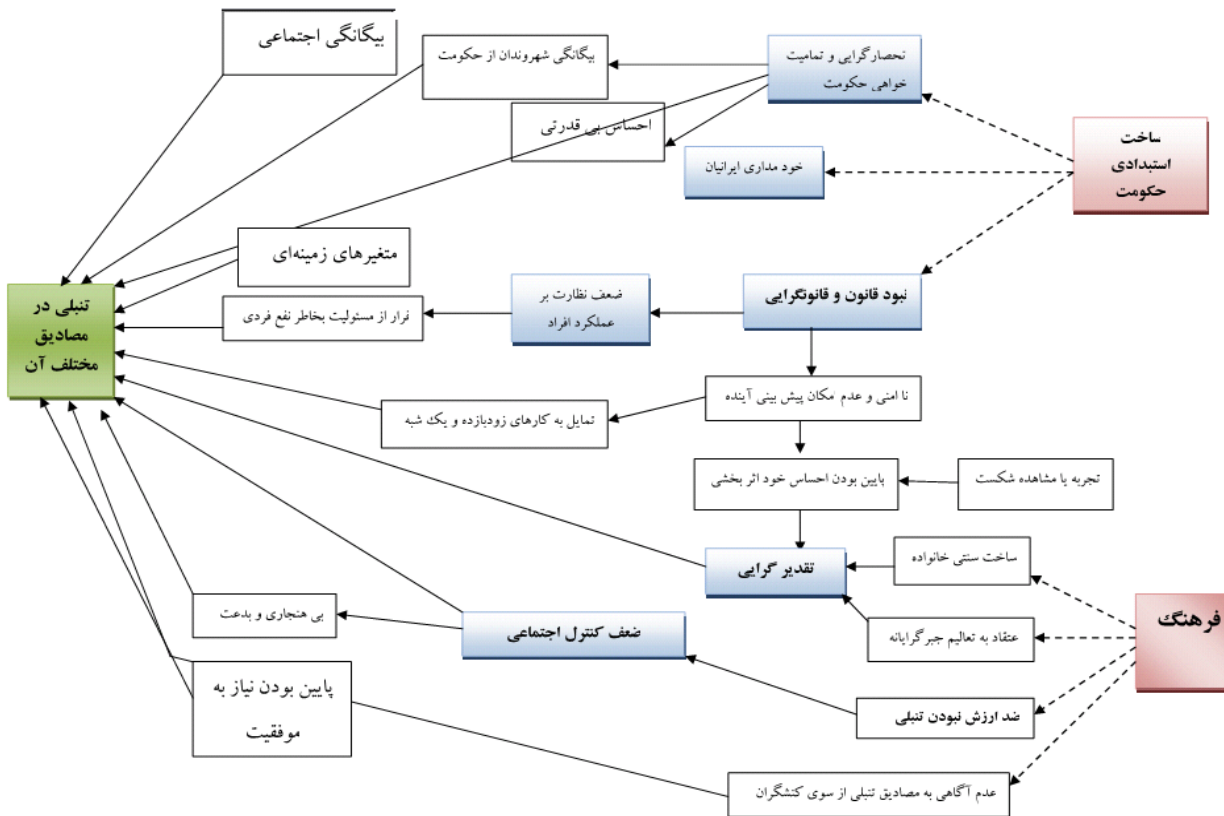
۹- فقدان نظارت: وجود یا نبود نظارت دقیق، بالا یا پائین بودن احتمال گرفتار شدن، قطعیت تنبیه بعد از تنبلی و نسبت زیان پس از تنبیه به سود عمل در صورت دیده نشدن و به سلامت در رفتن، همه، عوامل محیطی و موقعیتی (بر اساس نظریه کنش پارسونز) هستند که در سطح کلان بر تکوین ترجیح کنشگر مؤثرند. در این رویکرد، صرف وجود نهادهای نظارتی قوی و پیامدهای نظارتی کافی نیست. علاوه بر نبود نظارت یا نهادهای انضباطی به عنوان شرایط امتناع تنبلی، عامل مهم دیگری نیز در سطح ساختاری بر ظهور پدیده تنبلی مؤثر است. این مفهوم ناظر بر وضعیتی است که در آن وجود برخی ساختارها یا نوع روابط میان ساختارهای مختلف وضعیتی را پدید می‌آورند که در آن امکان تنبلی بر امتناع از آن می‌چربد. در واقع، شرایط ساختاری جامعه خود، مشوق کنشگران اجتماعی در امتناع از پذیرش و عمل به قوانین و هنجارهای اجتماعی هستند.

۱۰- نیاز به موفقیت: مطابق نظریه نیاز به موفقیت مک کله لند، نیاز به کسب موفقیت ایجاد ارتباط با دیگران و نیاز به کسب قدرت تقریباً ۸۰ درصد نیروی محرک و انگیزش تمام افراد است. کسانی که نیاز به کسب موفقیت در آنها شدید است، اهل قمار و برد و باخت‌های سنگین نیستند، به هیچ وجه دوست ندارند که در فرایند موفقیت شانس بیاورند؛ زیرا موقعیتی که در سایه شانس به دست آید هیچ لذتی برای آنها به دنبال نخواهد داشت. این افراد بیشتر به دنبال انجام کارهایی هستند که در اصطلاح هموردطلب باشند. آنها از خود پیروزی یا حل کردن یک مشکل لذت بیشتری می‌برند تا اینکه به خاطر آن پاداش یا پول بیشتری دریافت کنند. این افراد بیشتر به کارهای فروشنده‌گی و یا کارهای خصوصی که خود شخص مدیریت کار را برعهده داشته باشد روی می‌آورند. (مک کله لند، ۱۹۷۱: ۳۴) با توجه به رواج پدیده تنبلی در جامعه ایران و نیز اینکه اغلب افراد به جای برنامه ریزی برای کارآفرینی، بیشتر به دنبال استخدام در یک کار دولتی بی‌دردسر (پشت میز نشینی) و یا تکیه بر تسهیلات و پشتیبانی دولتی برای

انجام کارهایشان هستند، می‌توان گفت میزان نیاز به موفقیت در افرادی که میزان تنبلی آنها بالاست، کمتر است و هرچه نیاز به موفقیت فرد بیشتر باشد، میزان تنبلی او کاهش خواهد یافت.

از مجموع این عوامل مدل نظری زیر استخراج شده است، که با توجه به تحلیل چندمتغیره از داده‌های تحقیق، مدل اصلاح شده در انتهای این مقاله خواهد آمد.

شکل ۱- چارچوب نظری تحقیق



روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ زمانی از نوع تحقیقات مقطعی است که به دو پرسش «چگونگی» و «چرایی» پاسخ می‌دهد و لذا دو جنبه توصیفی و تبیینی را با خود به همراه دارد. در پژوهش حاضر با توجه به شرایط و موضوع بررسی روش پیمایش انتخاب شده است. جامعه آماری این تحقیق را مجموعه افراد ساکن شهر تهران با ضابطه سنی ۱۶ سال و بالاتر، تشکیل می‌دهند. که از میان آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی با طبقه‌بندی متناسب با حجم (شیرانی، ۱۳۶۴: ۱۴۷) تعداد ۱۲۵۶ نفر با روش فوق به صورت سیستماتیک انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از پرسشنامه استفاده شده است.

بمنظور سنجش اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار محتوایی صوری (Face content validity) استفاده شده است و از نظر متخصصین مرتبط و همچنین از نظریه های مرتبط استفاده شده است. برای سنجش روایی پرسشنامه (Reliability)، از آزمون «آلفای کرونباخ» استفاده شده است. همچنین برای تشخیص مناسب بودن گویه ها از ضریب همبستگی تصحیح شده هر سؤال به کل سئوالات استفاده شده است و در مجموع سئوالاتی که همبستگی معناداری را با مجموع سئوالات دارند انتخاب و سایر سئوالاتی که همبستگی معناداری را نشان نمی دهند حذف شده است. بنابراین ابتدا پرسشنامه در بین پنجاه نفر توزیع گردیده و سپس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ سئوالات نهایی انتخاب شده است. جدول ۱ ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای اصلی تحقیق را نشان می دهد.

جدول ۱- ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

محور	تعداد گویه	ضریب آلفای اولیه	ضریب بعد از حذف یا اصلاح برخی گویه ها
بیگانگی شهروندان از حکومت	۵	۰.۵۴	۰.۶۱
احساس بی قدرتی	۸	۰.۷۲	۰.۷۵
بیگانگی اجتماعی	۷	۰.۷۳	-
تقدیرگرایی	۹	۰.۵۳	۰.۶۱
نوگرایی	۵	۰.۶۲	۰.۶۸
آینده گرایی	۵	۰.۸۲	-
تمایل به کارهای زودبازده و یک شبه	۵	۰.۷۲	-
خودمداری	۱۹	۰.۶۶	۰.۶۹
فردگرایی	۴	۰.۷۳	-
فرار از مسئولیت بخاطر نفع فردی	۹	۰.۷۳	-
تنبلی	۱۷	۰.۵۳	۰.۵۹
بی هنجاری	۷	۰.۷۶	۰.۷۹
بیگانگی شهروندان از حکومت	۵	۰.۵۳	۰.۶۱
احساس بی قدرتی	۷	۰.۷۲	۰.۷۵

تعریف عملیاتی تنبلی: اندازه گیری میزان تنبلی از طریق پیمایش دشوار است، به این دلیل که تنبلی از مقوله هایی است که جزو صفات ناپسند بوده و برای فرد دشوار است که جلوی یک بیگانه (پرسشگر) به ضعف نفس خود اعتراف کند. اشخاص بویژه نزد کسانی که آنها را نمی شناسند یا اولین بار آشنایی آنهاست، تلاش می کنند چهره مثبت و مقبولی از خود ارائه کنند. لذا در این پژوهش برای اندازه گیری تنبلی تلاش فراوانی شد و در نهایت ۱۷ گویه (در باره تمایل رفتاری و نگرشی) در باره تنبلی ساخته شد و نیز ۵ رفتار مرتبط با تنبلی طراحی شد. این گویه ها پس از اصلاحات لازم (منتج از پیش آزمون و ضرایب آلفای کرونباخ) نهایی شد. جهت گیری مفهومی گویه ها بر مفاهیمی از قبیل شرایطی که افراد در طی روز ممکن است در آن قرار بگیرد متمرکز می باشد و گویه ها ناظر بر گرایش افراد و سئوالات ناظر بر رفتار افراد می باشند. یک مساله مهم روشی این است که در میان متغیرها، پایین

ترین میزان آلفا به تنبلی اختصاص دارد (جدول ۱) و این از آن روست که مفهوم تنبلی اجتماعی، مفهوم نوپایی است و باید تحقیقات تجربی و نظری بیشتری در باره آن صورت گیرد تا مورد مذاقه بیشتر واقع شود.

یافته های تحقیق

اطلاعات جمعیت‌شناختی: ۵۱.۲٪ از پاسخگویان مرد و مابقی زن بوده اند. میانگین سن پاسخگویان در حدود ۳۵/۳ سال با انحراف معیار ۱۳/۳۶ سال می‌باشد. متوسط تحصیلات پاسخگویان دیپلم بوده است. در حدود ۱۰ درصد پاسخگویان از پایگاه اقتصادی- اجتماعی در سطح بسیار پایین، بیش از ۲۶ درصد در سطح پایین، در حدود ۳۶ درصد در سطح متوسط، بیش از ۱۹ درصد در سطح بالا و ۹ درصد از پایگاه اقتصادی- اجتماعی در سطح بسیار بالا برخوردار بودند.

میزان وجود متغیرهای مستقل تحقیق در یک مقیاس ۰ (فقدان کامل) تا ۱۰۰ (وجود کامل) عبارت است از: بیگانگی اجتماعی ۵۷.۰، تقدیرگرایی ۴۵.۴۶، نوگرایی ۷۰.۳۸، توجه به آینده ۵۸.۷۳، تمایل به کارهای زودبازده و یکشنبه ۵۳.۸۷، خودمداری ۵۵.۳۷، فردگرایی ۷۲.۸۸، فرار از مسئولیت بخاطر نفع فردی ۴۴.۲، بیگانگی شهروندان از حکومت ۵۸.۲۷، احساس بی قدرتی ۵۱.۶۲، بی هنجاری ۷۲.۸۸.

اندازه گیری میزان تنبلی: میانگین میزان نمره تنبلی پاسخگویان ۴۷/۵ (در فاصله ای از ۰ تا ۱۰۰ و با استفاده از ۱۷ گویه) می‌باشد. بیشترین فراوانی مشاهده شده (نما یا مد) در میزان تنبلی با نمره ۵۸ است و ۵۰ درصد از پاسخگویان نمونه بالای نمره ۴۹.۳ و نیمی دیگر کمتر از نمره ۴۹.۳ از میزان تنبلی برخوردارند. در مجموع میزان تنبلی در حدود ۳۱ درصد پاسخگویان خیلی کم و کم، بیش از ۴۹ درصد متوسط و بیش از ۲۰ درصد زیاد و خیلی زیاد بوده است. (جدول ۲)

جدول ۲- توزیع فراوانی مقیاس تنبلی

گزینه‌ها	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۶۶	۵.۳	۵.۳
کم	۳۱۲	۲۵.۲	۳۰.۵
متوسط	۶۱۱	۴۹.۴	۷۹.۹
زیاد	۲۴۳	۱۹.۶	۹۹.۵
خیلی زیاد	۶	۰.۵	۱۰۰
جمع	۱۲۳۸	۱۰۰	---
ضریب روایی مقیاس (Alpha)	۰/۶۱۵		

بر این اساس، حداقل بیست درصد از پاسخگویان در سطح فردی تنبل هستند و نیمی از آنها در سطح متوسط قرار دارند. از آنجا که تنبلی مقوله‌ای از نظر اخلاقی مذموم است، اعتراف به تنبلی از سوی پاسخگویان دشوار است و لذا باید این میزان را کف و حداقل میزان تنبلی در نظر گرفت و برای مطالعات دقیق‌تر باید به روش‌های دیگر از جمله مشاهده روی آورد. اما میزان حداقل ۲۰ درصدی تنبلی یا به عبارت دقیق‌تر، فقدان تنبلی در حداکثر ۳۰ درصد از پاسخگویان، موضوعی است نگران‌کننده و جای تامل جدی دارد. البته یافته‌های رسمی تحقیق، نشان از آن دارند که تنها ۲۰ درصد از پاسخگویان، رفتارها و گرایش‌هایی را در خود تایید کرده‌اند، که از این نظر می‌توان آن را میزان تنبلی در تهران دانست. یعنی بیست درصد پاسخگویان دچار تنبلی هستند. تفسیرهای بعدی که در بالا ذکر شد، برای تصحیح این عدد است و آن را باید در حد یک تفسیر تلقی کرد.

رابطه میان تنبلی و متغیرهای زمینه‌ای: رابطه میان متغیرهای زمینه‌ای و تنبلی در جدول ۳ آمده است. بر اساس این جدول می‌توان استنباط کرد که هر چه سن افراد بیشتر باشد میزان تنبلی آنان بیشتر می‌باشد؛ زنان در مقایسه با مردان تنبل‌ترند؛ میزان تنبلی افراد مجرد بطور معناداری نسبت به متأهلان و افراد بدون همسر در اثر فوت یا طلاق کمتر بوده است؛ هر چه تحصیلات افراد بیشتر باشد میزان تنبلی آنان نیز کمتر می‌باشد؛ میانگین میزان تنبلی افراد شاغل بطور معناداری نسبت به بیکاران، افراد خانه‌دار، و بازنشستگان کمتر بوده است ولی میانگین میزان تنبلی افراد محصل و دانشجو نسبت به افراد شاغل، خانه‌دار، بیکاران و بازنشستگان کمتر بوده است؛ همچنین افراد خانه‌دار از بیکاران و بازنشستگان تنبل‌ترند؛ افراد متولد در روستا در مقایسه با متولدین شهری تنبل‌ترند؛ بطور معناداری ترک‌ها نسبت به فارس‌ها تنبل‌تر می‌باشند؛ و در نهایت آنکه هر چه پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده افراد بالاتر باشد میزان تنبلی آنان کمتر می‌باشد.

بر اساس این یافته‌ها، سالمندان، زنان، متأهلان، بی‌سوادان، بیکاران، خانه‌داران و بازنشستگان، متولدین روستا، غیرفارس‌ها، و افراد با پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین بیشتر تنبل هستند تا جوانان، مردان، مجردین، تحصیل کرده‌ها، شاغلین، متولدین شهرها، فارس‌ها، و افراد با پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا. این تیپ بندی، برخی از نگرانی‌ها ذکر شده در باره میزان تنبلی را کم می‌کند، چون در این دو قطبی‌ها، نوعا گروهی بیشتر با تنبلی روبرو هستند که چندان از سوی جامعه به عنوان الگو پذیرفته نمی‌شوند و نیز روند کلی حرکت جامعه به سمت افزایش آنها نیست.

برای مثال، آنچه در زنان باعث افزایش میزان تنبلی آنها نسبت به مردان شده، جنسیت نیست، بلکه احتمالا شرایط اجتماعی و میزان تحصیلات و نوع اشتغال آنها است. لذا با تغییر در میزان تحصیلات و نوع اشتغال زنان، از میزان تنبلی آنها نیز کاسته خواهد شد. همچنین است وضعیت تنبلی در متولدین تهران، نسبت به متولدین روستا، یا فارس‌ها نسبت به غیرفارس‌ها.

جدول ۳- رابطه متغیرهای زمینه ای با تنبلی

متغیر	سطوح متغیر	میزان تنبلی					فرآوانی	میزان آماری	میزان آماره	سطح معنی داری
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد				
زبان*	فارسی	۷.۱	۲۷.۷	۴۷.۳	۱۷.۶	۰.۴	۷۵۱	F	۴.۶۹۲	۰.۰۰۰
	ترکی	۱.۱	۱۹.۷	۵۶.۳	۲۱.۹	۱.۱	۲۷۹			
محل تولد	شهر	۵.۵	۲۶.۵	۴۸.۱	۱۹.۶	۰.۳	۱۰۲۱	T	-۲.۳۹۸	۰.۰۱۷
	روستا	۵.۷	۱۵.۴	۵۶.۱	۲۰.۳	۲.۴	۱۲۳			
وضعیت اشتغال*	شاغل	۷.۵	۳۰.۷	۵۱.۵	۱۰.۴	۰.۰	۳۷۵	F	۴۹.۱۳۴	۰.۰۰۰
	بیکار	۱.۵	۲۲.۲	۵۷	۱۸.۵	۰.۷	۱۳۵			
	خانه دار	۰	۹.۱	۵۳.۵	۹.۹	۱.۴	۳۲۹			
	محصل و دانشجو	۱۱.۸	۴۶.۸	۳۲	۹.۴	۰	۲۰۳			
تحصیلات*	بی سواد	۰.۰	۷.۲	۴۷.۷	۴۱.۸	۳.۳	۱۵۳	Rho	-۰.۵۱۲	۰.۰۰۰
	دیپلم	۰.۶	۱۷.۴	۶۱.۴	۲۰.۳	۰.۳	۳۴۵	اسپرمن		
	لیسانس	۱۱.۲	۳۵.۵	۴۷.۲	۶.۱	۰	۱۹۷			
	بالا تر از لیسانس	۳۲.۶	۴۴.۶	۲۱.۷	۱.۱	۰	۹۲			
وضعیت تاهل	مجرد	۹.۲	۳۷.۱	۴۱.۲	۱۲.۳	۰.۲	۴۵۶	F	۵۴.۹۵۸	۰.۰۰۰
	متاهل	۳.۳	۱۸.۹	۵۴.۰	۲۳.۱	۰.۷	۶۹۳			
جنس	مرد	۸.۲	۲۹.۷	۴۷.۶	۱۴.۲	۰.۳	۶۳۴	T	-۷.۵۶۹	۰.۰۰۰
	زن	۲.۳	۲۰.۵	۵۱.۲	۲۵.۳	۰.۷	۶۰۴			
سن*	زیر ۲۰	۱.۰	۳۰.۷	۲۵.۵	۱۵.۸	۰.۰	۱۰۱	R	۰.۰۶۹	۰.۰۰۰
	۲۰-۲۹	۱۰.۹	۳۳.۴	۴۲.۹	۱۲.۵	۰.۲	۴۳۱	پیرسون		
	۳۰-۴۰	۲.۹	۲۰.۴	۴۵.۸	۲۹.۲	۱.۷	۲۴۰			
	بالای ۶۰	۰.۰	۱۳.۶	۴۲.۰	۴۴.۴	۰.۰	۸۱			
پایگاه اجتماعی اقتصادی	خیلی پایین	۰.۰	۱۶.۳	۵۴.۵	۲۸.۵	۰.۸	۱۲۳	Rho	-۰.۳۳۵	۰.۰۰۰
	پایین	۱.۵	۱۶.۴	۵۳.۳	۲۸.۲	۰.۶	۳۲۳	اسپرمن		
	متوسط	۴.۳	۲۷.۱	۴۹.۸	۱۸.۳	۰.۵	۴۴۲			
	بالا	۱۰.۵	۳۱.۹	۴۶.۶	۱۰.۹	۰.۰	۲۳۸			
	خیلی بالا	۱۵.۲	۳۸.۴	۳۶.۶	۸.۹	۰.۹	۱۱۲			

* فقط متغیرهای مهم آورده شده است

رابطه میان تنبلی و متغیرهای مستقل: آماره های مربوط به این رابطه این متغیرها در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴- ضریب همبستگی پیرسون بین عوامل اجتماعی و تنبلی

متغیر	ضریب R پیرسون	سطح معنی داری
بیگانگی اجتماعی	۰.۱۴۷	۰.۰۰۰
تقدیرگرایی	۰.۳۶۱	۰.۰۰۰
نوگرایی	-۰.۲۲۳	۰.۰۰۰
توجه به آینده	-۰.۲۲۱	۰.۰۰۰
تمایل به کارهای زودبازده	-۰.۰۲۸	۰.۳۱۷
خودمداری	۰.۲۵۶	۰.۰۰۰
فردگرایی	۰.۰۷۴	۰.۰۰۹
فرار از مسئولیت بخاطر نفع فردی	۰.۱۵۸	۰.۰۰۰
بیگانگی از حکومت	-۰.۰۸۳	۰.۰۰۳
احساس بی قدرتی	۰.۲۱۰	۰.۰۰۰
احساس بی هنجاری	-۰.۰۹۱	۰.۰۰۱

پیش از تحلیل رابطه متغیرهای مستقل تحقیق با تنبلی موارد زیر باید مورد توجه واقع شود: علیرغم تمایز مفهومی میان خودمداری و فردگرایی، در پرسشنامه این تحقیق، این تمایز به دقت روشن نشد و لذا باید فردگرایی را معادل خودمداری گرفت. البته در این یافته خاص، شرایط ویژه پس از انتخابات ریاست جمهوری نیز اثر داشته است (جمع آوری اطلاعات در نیمه مرداد ۱۳۸۸ انجام شده است). همچنین توجه به گویه های مربوط به بی هنجاری (فقدان نظارت بر کار مسئولین، یا ارجحیت رابطه بر ضابطه، یا فقدان قوانین خوب) نشان می دهد که این متغیر نیز وضعیتی مشابه متغیر بیگانگی از حکومت دارد.

بر اساس روابط دومتغیری میان تنبلی با متغیرهای برگرفته از چارچوب نظری تحقیق، می توان نتیجه گرفت که تقدیرگراها، افرادی که بیگانگی اجتماعی بیشتری دارند، کمتر نوگراها، بی توجهین به آینده، متمایلین به کارهای زودبازده، خودمداران، کسانی که بخاطر نفع فردی از مسئولیت فرار می کنند، افرادی که احساس بی قدرتی می کنند، کسانی که نسبت به حکومت بیگانگی ندارند و آن را بهنجار می دانند، بیشتر تنبل هستند تا گروه های مقابل آنان. مساله بیگانگی با حکومت نیز به دلیل شرایط خاص جامعه در زمان پرسشگری، مقوله ای است که در طیف فرار می گیرد و بیگانگان با حکومت یا آنها که جامعه را دچار بی هنجاری می دانند و از آن ناراضی هستند، کمتر خود را دارای رفتارها و گرایش هایی می دانند که ما از آن به تنبلی یاد می کنیم.

تحلیل چندمتغیری: در این بخش بمنظور مشخص شدن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر تنبلی به تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر داده ها پرداخته می شود. در تحلیل رگرسیونی چند متغیره، سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بدون لحاظ کردن تقدّم و تأخّر در بین آنها مشخص می گردد. همچنین از طریق تحلیل مسیر، سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با لحاظ کردن تقدّم و تأخّر در بین آنها تعیین می شود.

بمنظور تشریح و تحلیل رگرسیون چند متغیره و دستیابی به مدل رگرسیونی تنبلی، ابتدا باید متغیرهایی که قرار است وارد معادله رگرسیونی شوند، مشخص نمود. به همین جهت تمامی متغیره‌های مستقل به روش قدم به قدم انتخاب شده و در یک دستور رگرسیونی برای دستیابی به معادله نهایی، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. جدول ۵ مدل رگرسیونی چند متغیره را برای تبیین تنبلی نشان می‌دهد، همچنین جدول ۶ شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی را مشخص می‌کند.

جدول ۵- مدل رگرسیون چند متغیره برای تبیین تنبلی

متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند					
Sig	مقدار t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		متغیرها
		Beta	خطای استاندارد	B	
۰.۰۰۰	۹.۳۴۰	۰.۲۶۱	۰.۰۲۲	۰.۲۰۶	تقدیرگرایی
۰.۰۰۰	۵.۴۱۲	۰.۱۵۴	۰.۰۲۹	۰.۱۵۷	خودمداری
۰.۰۰۰	-۵.۴۰۷	-۰.۱۴۹	۰.۰۱۹	-۰.۱۰۴	تمایل به کارهای زود بازده
۰.۰۰۰	۵.۰۲۵	۰.۱۴۰	۰.۰۲۴	۰.۱۲۲	احساس بی‌قدرتی
۰.۰۰۰	-۴.۳۴۷	-۰.۱۲۱	۰.۰۱۹	-۰.۰۸۱	توجه به آینده
۰.۰۰۱	-۳.۴۳۱	-۰.۰۹۷	۰.۰۲۰	-۰.۰۶۸	بی‌هنجاری
۰.۰۲۸	-۲.۱۹۶	-۰.۰۶۳	۰.۰۲۳	-۰.۰۵۱	نوگرایی
۰.۰۰۰	۱۴.۶۳۰	---	۲.۸۶۱	۴۱.۸۶۰	مقدار ثابت
متغیرهایی که از معادله خارج شده‌اند					
Sig	مقدار t	متغیرها			
۰.۰۶۳	۱.۸۵۸	بیگانگی اجتماعی			
۰.۱۳۸	۱.۴۸۴	فردگرایی			
۰.۱۰۰	۱.۶۴۵	فرار از مسئولیت بخاطر نفع فردی			
۰.۱۷۴	-۰.۰۴۸	بیگانگی شهروندان از حکومت			

جدول ۶- شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی برای تبیین تنبلی

۰.۴۶۵	ضریب همبستگی چندگانه
۰.۲۱۷	ضریب تعیین
۰.۲۱۲	ضریب تعیین تعدیل‌شده
۱۳.۹	خطای استاندارد

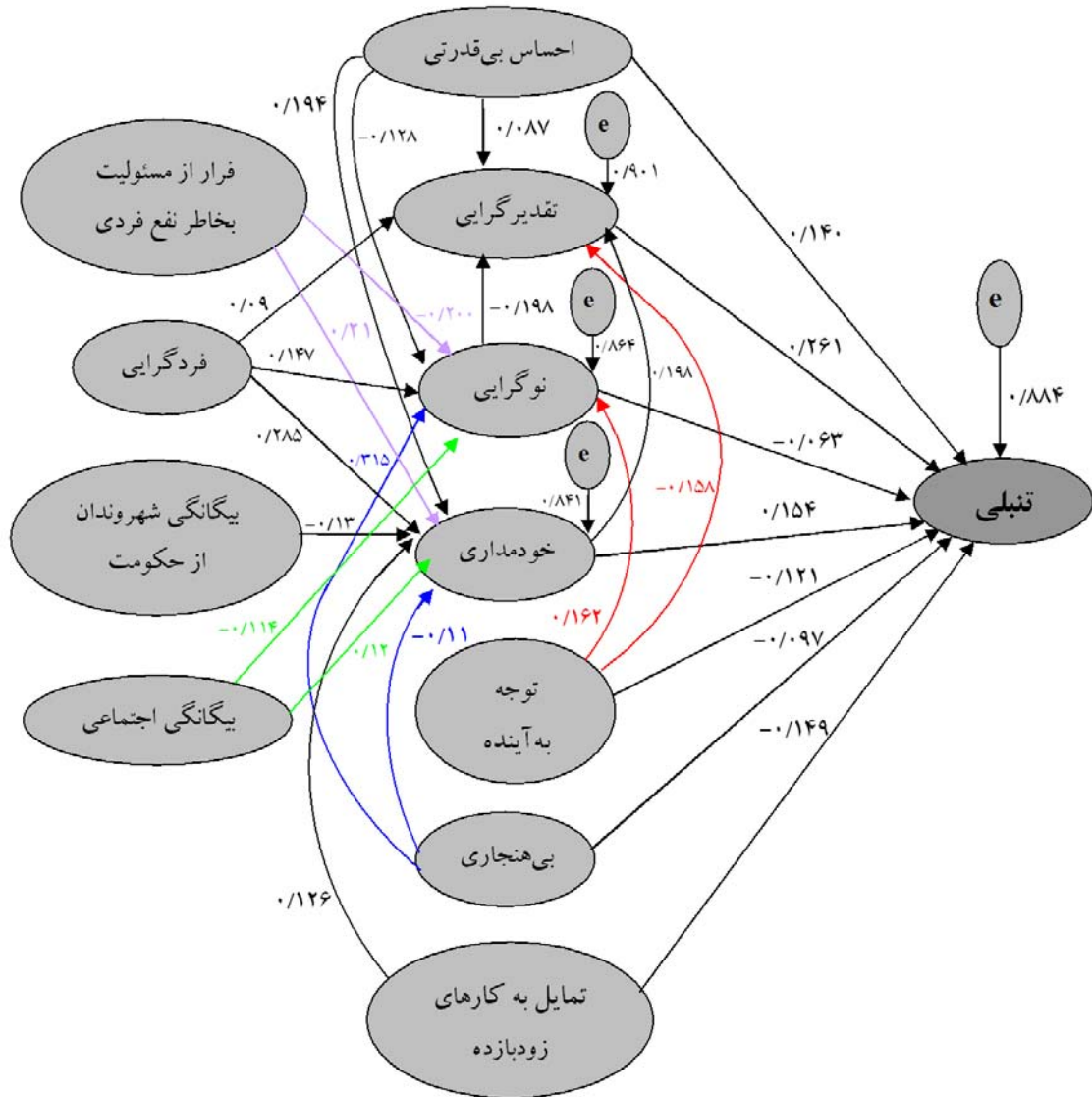
همانگونه که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه ۰/۴۶۵، ضریب تعیین مساوی ۰/۲۱۷ می‌باشد و ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر ۰/۲۱۲ می‌باشد و بیانگر این مطلب است که بیش از ۲۱ درصد از واریانس و تغییرات تنبلی توسط متغیرهای موجود در معادله تبیین می‌شود. با توجه به اینکه در تحلیل رگرسیونی فوق از روش قدم به قدم استفاده شده است، ابتدا متغیری که بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی را دارد وارد مدل رگرسیونی می‌شود و سپس بعد از این متغیر، متغیرهای دیگری که دارای بیشترین تأثیر بر روی متغیر وابسته باشند وارد مدل می‌شوند. آماره‌های موجود در جدول ۵ گویای این واقعیت است که متغیر تقدیرگرایی با بتای ۰/۲۶۱ بیشتر از همه متغیرهای مستقل دیگر بر تنبلی تأثیر می‌گذارد، جهت تأثیر این متغیر نیز مثبت و مستقیم است و بیانگر این مطلب است که هر چه افراد تقدیرگراتر باشند، میزان تنبلی آنان نیز بیشتر خواهد بود. بعد از متغیر تقدیرگرایی، متغیر خودمداری با بتای ۰/۱۵۴ قرار گرفته است که دارای تأثیر نسبتاً ضعیفی بر روی تنبلی است و متغیرهای تمایل به کارهای زود بازده، احساس بی‌قدرتی و توجه به آینده به ترتیب با بتای ۰/۱۴۹-، ۰/۱۴۰ و ۰/۱۲۱- بعد از دو متغیر اولیه بیشترین تأثیر معنادار را بر تنبلی داشتند.

حال برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل، متغیر میزان تنبلی را از معادله قبلی خارج کرده و متغیر تقدیرگرایی، که در مرحله اول در معادله رگرسیونی تنبلی از بیشترین تأثیر برخوردار بود، را به عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیونی می‌کنیم که نتیجه چنین شد که خودمداری و نوگرایی با بتای به ترتیب ۰/۱۹۸ و ۰/۱۹۸- بیشترین تأثیر را بر تقدیرگرایی دارند. در ادامه دو معادله رگرسیون دیگر نیز می‌گیریم که به ترتیب هر کدام متغیرهای خودمداری و نوگرایی به عنوان متغیر وابسته در مقابل دیگر متغیرهای مستقل وارد معادله رگرسیونی شوند. شکل ۲ دیاگرام مسیر مربوط به عوامل مؤثر بر تنبلی را بر حسب میزان تأثیر (بتا) نشان می‌دهد.

جدول ۷- میزان اثر متغیرهای مستقل بر متغیر تنبلی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
تقدیرگرایی	۰/۲۶۱	ندارد	۰/۲۶۱
احساس بی‌قدرتی	۰/۱۴۰	۰/۰۷۷	۰/۲۱۷
خودمداری	۰/۱۵۴	۰/۰۵۲	۰/۲۰۶
توجه به آینده	-۰/۱۲۱	-۰/۰۶۰	-۰/۱۸۱
بی‌هنجاری	-۰/۰۹۷	-۰/۰۵۹	-۰/۱۵۶
تمایل به کارهای زود بازده	-۰/۱۴۹	۰/۰۲۶	-۰/۱۲۳
نوگرایی	-۰/۰۶۳	-۰/۰۵۲	-۰/۱۱۵
فرار از مسئولیت بخاطر نفع فردی	ندارد	۰/۰۶۶	۰/۰۶۶
فردگرایی	ندارد	۰/۰۶۵	۰/۰۶۵
بیگانگی اجتماعی	ندارد	۰/۰۳۸	۰/۰۳۸
بیگانگی شهروندان از حکومت	ندارد	-۰/۰۲۷	-۰/۰۲۷

شکل ۲- دیاگرام مربوط به عوامل مؤثر بر تنبلی



نتایج تحلیل چندمتغیری (جدول ۷) نیز نشان می دهد متغیر تقدیرگرایی با دارا بودن اثر کل به اندازه ۰/۲۶۱ در تبیین واریانس متغیر تنبلی از بیشترین قدرت برخوردار است. بعد از این متغیر، احساس بی قدرتی و سپس خودمداری در مراتب بعدی

قرار دارند که رابطه مثبتی هر سه این متغیرها با متغیر تنبلی دارند. از سوی دیگر متغیر بیگانگی شهروندان از حکومت از کمترین اثر کل (۰/۰۲۷-) برخوردار است و نشانگر این است که این متغیر در بین متغیرهای وارد شده به مدل رگرسیونی از اهمیت چندانی برخوردار نیست و قدرت تبیین‌کنندگی کمتری نسبت به دیگر متغیرها دارد. هر چند که این متغیر رابطه منفی با تنبلی دارد؛ بدین معنی که هرچه شهروندان از حکومت بیگانه‌تر باشند میزان تنبلی آنان کمتر خواهد بود. این نکته نیز تایید دیگری است که مساله بیگانگی از حکومت، نه بخاطر اهمیت ذاتی، بلکه به دلایل عارضی شرایط پس از انتخابات، دارای اهمیت شده و می‌توان از آن صرف نظر کرد.

نتیجه گیری

این تحقیق، در نتیجه کلی اینکه آیا مردم تهران تنبل هستند، وجود تنبلی را در تهران خیلی بالا نمی‌داند (۰/۲۰)، و آن را بیشتر در میان اقشار پایین تر جامعه می‌داند (افراد با تحصیلات، اشتغال و پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین تر و فاقد پیشینه شهری)، هر چند که تحلیل‌های طبقاتی، امروزه از رواج افتاده است و بیشتر مفهوم سبک زندگی در مواردی از این دست جای آن را گرفته است، اما از مجموع خصایص تیپ تعریف شده برای تنبلی بالا در این مقاله، می‌توان ترکیبی شامل برخی خصایص اجتماعی-فرهنگی دانست که در بالا ذکر شده است. از این رو، می‌توان این نتیجه نهایی را گرفت که میزان تنبلی در تهران خیلی بالا نیست، یا به بیان دقیق‌تر، پاسخگویان خود را خیلی تنبل نمی‌دانند، یا باز هم دقیق‌تر، پاسخگویان وجود گرایش‌ها و رفتارهایی را در خود تایید نکرده‌اند، که بتوان تنبل بودن آنها را استخراج کرد. و البته باز هم برای کشور در حال توسعه‌ای مانند ایران، تایید حداقل بیست درصدی میزان تنبلی، مقوله‌ای چندان خوشایند نیست، ولی به نظر ما آن اندازه نیست که به عنوان اولویت درجه یک مسائل اجتماعی شناخته شود. البته این یافته در مقایسه با دیگر کشورهای جهان است که مساله بودن خود را نشان می‌دهد. نگارندگان در مقاله دیگری (جوادی یگانه و دیگران، ۱۳۸۹-۱۳۹۰) به بررسی تطبیقی میزان تنبلی در ایران با کشورهای جهان پرداخته‌اند. نتایج آن تحقیق که بر اساس یافته‌های در دسترس ۵۵ کشور جهان در مقایسه با ایران به دست آمده، نشان می‌دهد که میزان تنبلی ایرانیان از متوسط جهانی بیشتر است و تنها کشورهای عربی هستند که بیش از ایرانیان دچار تنبلی‌اند. در آن تحقیق، متوسط میزان تنبلی در مقیاسی از ۰ (فقدان تنبلی) تا ۱۰۰ (تنبلی کامل) به ترتیب چنین است:

◆ کشورهای عربی (۸۵/۱۳)

◆ ایران (۷۸/۱۱)

◆ کشورهای آفریقایی (۷۲/۸۹)

◆ کشورهای آسیای شرقی و آسیای جنوبی (۴۸/۱۳)

◆ کل جهان (۴۶/۸۸)

◆ کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب (۴۴/۴۷)

◆ کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی (۳۵/۳۶)

بر اساس این یافته، و شواهد ذکر شده در ابتدای مقاله، می‌توان وجود مساله‌ای به نام تنبلی (فارغ از میزان آن) را در تهران مورد توجه قرار داد. البته همچنان که ذکر شد، نه میزان تنبلی در تهران خیلی بالاست و نه گرایش به آن زیاد است. اما در باره

موضوع سازگاری این نتیجه (پایین بودن میزان تنبلی در تهران) با آن شواهد و یافته های تطبیقی، باید گفت که از این یافته که «مردم تهران، چندان تنبل نیستند»، نمی توان استنتاج کرد که «تنبلی در تهران وجود ندارد». بلکه از این یافته تنها می توان نتیجه گرفت که میزان تنبلی فردی در تهران بالا نیست، یا گرایش به آن خیلی بالا نیست. و لذا اگر ما در تهران (و به تبع، در ایران) با موضوعی به نام تنبلی روبرو هستیم، باید آن را در جای دیگری جستجو کرد، که آن موضوع «تنبلی اجتماعی» است، که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

در تایید این نکته که پایین بودن تمایل به تنبلی در تهران، مساوی با پایین بودن تنبلی در تهران نیست، می توان از تذکر دکتر چلبی استفاده کرد که در پژوهش خود، تمایلات عام‌گرایانه را (مانند هر نوع تمایل رفتاری مثبت دیگر از جمله فقدان تنبلی) زیاد یافته، و اذعان می کند که «تجلی هر رفتاری - از جمله رفتارهای عام‌گرایانه - منوط به تمایلات نظام شخصیتی نیست، بلکه همزمان وابسته به نوع قواعد اجتماعی، فرصت‌ها و نحوه آرایش آنها نیز هست. بنابراین، می‌توان پذیرفت که در همان حال که میزان میل به عام‌گرایی در سطح نظام شخصیت در برهه‌ای از زمان در میان جماعتی بالا باشد، لکن در همان حال و به همان نسبت شاهد بروز و تجلی آن در سطح نظام رفتاری افراد نباشیم. به هر حال یافته‌های این تحقیق (بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران) نشان می‌دهند که حداقل در پنج شهر نمونه آن، تمایل عام‌گرایانه در سطح نظام شخصیت در حد قابل قبولی بالاست. یعنی در حال حاضر آمادگی شخصیتی به‌طور بالقوه در میان در صد بالایی از جمعیت شهری برای برخورد عام‌گرایانه وجود دارد. به فعل تبدیل کردن چنین‌امکانی موقوف به آن است که اولاً نظام هنجاری و قانونی جامعه تا حد ممکن متجانس باشد و همزمان سوگیری عام‌گرایانه داشته باشد، ثانیاً در سطح اجرا نخبگان جامعه، قوانین و هنجارهای جامعه را در عمل، عام‌گرایانه مراعات کنند، به طوری که ساخت فرصت‌ها و منطبق وضعیتی افراد، کم و بیش به آنها اجازه دهد میل به عام‌گرایی خود را که در سطح نظام شخصیت غالب به نظر می‌رسد، در عمل و در سطح نظام رفتاری خود در جامعه به منصه ظهور برسانند.» (چلبی، ۱۳۸۱: ۱۷۹) در باره تنبلی نیز می توان وجود عوامل تسهیل کننده بسیاری را دید، از جمله فقدان نظارت بر کار، عدم وجود نظام ارزیابی اجتماعی، امکان پیشرفت یک شبه و رواج کارهای زودبازده، و نیز پایین بودن حاکمیت قانون. از این رو، مساله تنبلی اجتماعی بیش از آنکه یک مساله در سطح عامل باشد، مساله ای ساختاری است و برای حل آن نیز تاکید بر عاملان فردی چندان کارایی ندارد و باید مشکلات ساختاری موجد آن را بررسی کرد.

در نهایت می توان یک تیپولوژی از افراد تنبل ساخت. در بخش یافته های این مقاله، دوقطبی ای ساخته شد که از روی آن می توان افراد دارای تنبلی فردی در تهران را بهتر شناخت. سویه تنبلی این دوقطبی یک بار دیگر ذکر می شود.

- افراد با سنین بالاتر (سالمندان در برابر جوانان)
- زنان
- متاهلان (در برابر مجردین)
- بی سوادان
- بیکاران، خانه داران، بازنشستگان
- متولدین روستا، افراد با اصالت های غیرتهرانی
- افراد با پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین
- تقدیرگرایان، افراد با توجه کمتر به آینده

- افراد با نوگرایی پایین
- افرادی که احساس بی قدرتی و بیگانگی اجتماعی دارند
- افراد با توجه کمتر به آینده
- متمایلین به کارهای زود بازده و یک شبه، خودمداران، و کسانی که بخاطر نفع فردی از مسئولیت فرار می کنند،
- افرادی که به حکومت خوشبین هستند و جامعه را بهنجار می دانند.

در میان این مجموعه از صفات، بر اساس یافته‌های چندمتغیری، اثر تقدیرگرایی بیش از همه است. ولی در مجموع، می توان شخصیت تنبل (کسی که در این پیمایش، تمایلات و رفتارهایی داشته که ما از او به تنبل یاد می کنیم) را فردی دانست که بیش از سایرین، دارای صفت ها و ویژگی های بالا باشد. یا به عبارت درست تر، با آن تعریفی که در این تحقیق از تنبلی شد (ترجیح لذت آبی بر نفع آبی، یا تمديد وضع موجود)، افرادی با ویژگی های اجتماعی و زمینه ای بالا، تمایل یا آمادگی بیشتری برای تنبلی دارند تا افراد با ویژگی های مقابل آنها.

* این مقاله برگرفته از تحقیقی است با عنوان «تنبلی اجتماعی؛ علل، پیامدها و راهکارها» است که برای دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام شده است.

منابع

- ارجمندنیاء، علی اکبر (۱۳۸۸) «تاملی در پدیده تنبلی اجتماعی» پژوهشنامه، شماره ۴۸ (ویژه اخلاق و جهانی شدن) (مرکز تحقیقات استراتژیک) ۳۷-۵۴.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۰). جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران. تهران: اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۱). جامعه شناسی توسعه. تهران: کلمه.
- آقاتهرانی، مرتضی (۱۳۸۳). *اهمال کاری؛ بررسی علل و راهکارهای درمان*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- آلیس، آلبرت و ویلیام جیمز نال (۱۳۷۵). *روانشناسی اهمال کاری*. ترجمه محمدعلی فرجاد. تهران: امید.
- بازرگان، مهدی (عبدالله متقی) (۱۳۵۷). *سازگاری ایرانی: فصل الحاقی روح ملت ها*. تهران: یاد.
- بلس، ادوانس (۱۳۸۶). *روان شناسی تنبلی*. ترجمه مهدی قرچه داغی. تهران: دایره. چاپ هشتم.
- بودون، ریمون (۱۳۶۴). *منطق اجتماعی*. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: مروارید.
- بیمن، ویلیام (۱۳۸۱). *زبان، منزلت و قدرت در ایران*. ترجمه رضا ذوقدار مقدم. تهران: نی.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان*. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- تریسی، برایان (۱۳۸۸). *قورباغه ات را قورت بده*. ترجمه اشرف رحمانی و کورش طارمی. تهران: راشین. چاپ بیست و چهارم.
- جمالزاده، محمد علی (۱۳۴۵). *خلقیات ما ایرانیان*. تهران: کتابفروشی فروغی.
- جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۷) «رویکرد جامعه شناسانه نظریه انتخاب عقلانی: مقدمه ای بر تغییرات فرهنگی و اجتماعی برنامه ریزی شده» *راهبرد فرهنگ*. سال اول. شماره سوم. پاییز ۱۳۸۷: ۳۳-۶۴.

جوادی یگانه، محمدرضا و زینب فاطمی امین و مجید فولادیان (۱۳۸۹-۱۳۹۰) «بررسی تطبیقی شاخص تنبلی در ایران و کشورهای جهان و برخی راه حل ها» راهبرد فرهنگ. سال سوم شماره دوازدهم و سال چهارم شماره سیزدهم. زمستان ۱۳۸۹ و بهار ۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۳۴.

- چلبی، مسعود (۱۳۸۱). *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*. تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- دروویل، گاسپار (۱۳۶۴). *سفر در ایران*. ترجمه منوچهر اعتماد مقدم. تهران: شباویز.
- دوران، ای آر (۱۳۴۶). *سفرنامه دوران*. ترجمه علی محمد ساکی. خرم آباد: محمدی.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸). *خودکشی*. ترجمه نادر سالار زاده امیری، تهران: انتشارات علامه طباطبایی
- ربانی، علی (۱۳۷۲). *بیگانگی اجتماعی به همراه بررسی موردی بیگانگی اجتماعی پذیرفته شدگان مرکز آموزشی علامه حلی تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.
- سرن، کارلا (۱۳۶۲). *آدم ها و آیین ها در ایران: سفرنامه مادام کارلا سرن*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: زوار.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۰). *روان شناسی اجتماعی*. تهران، انتشارات آوای نور.
- شاردن، ژان (۱۳۴۹). *سیاحت نامه شاردن (ده جلد)*. ترجمه محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.
- شیرانی، پرویز (۱۳۶۴). *نظریه نمونه گیری*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فوربز-لیث، فرانسیس (۱۳۶۶). *کیش-مات: خاطرات مباشر انگلیسی سردار اکرم*. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: اطلاعات.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۷۸). *در پیرامون خودمداری ایرانیان*. تهران: ارمغان.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۶). *کار و فراغت ایرانیان*. تهران: اختران.
- کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۹). *دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی*. ترجمه حسن افشار. تهران: مرکز.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. منوچهر صبوری کاشانی. تهران: نشر نی.
- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸). *نظریه های بنیادی جامعه شناختی*. ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی
- گوبینو، کنت دو (۱۳۶۷). *سه سال در آسیا*. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: کتابسرا.
- لوئیس، آرتور (۱۳۷۴). «توسعه اقتصادی همراه با عرضه نامحدود نیروی کار» در کتاب *الگوهای نظری در اقتصاد توسعه*، ویراسته راجانی کانت، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: نشر دیدار.
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳). *تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی بر فلسفه علم/اجتماع*. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: صراط.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۶). *بررسی رابطه بیگانگی و مشارکت سیاسی- اجتماعی در میان خانوارهای شهر تهران*. موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- مرتن، رابرت (۱۳۷۶). *مشکلات اجتماعی و نظریه های جامعه شناختی*. ترجمه نوین تولایی. تهران: نی.
- مشیری، مهشید (۱۳۷۸). *فرهنگ جامع فارسی*. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). *انسان و سرنوشت*. تهران: صدرا. چاپ نهم.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه*. ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد و مصطفی عمادزاده. تهران: مولی.

- Alatas, Syed Hissein (1977) .The Myth of The Lazy Native; A study of the image of the Malays, Filipinos and Javanese from the 16th to the 20th century and its function in the ideology of colonial capitalism. London: Frank Cass.
- Bandura, A. (1986) .Self-Efficacy: Toward a Unifying theory of behavioral change, *Psychological Review*.
- Boudon, R. (1998). "Limitations of rational choice theory". *The American Journal of Sociology*; 104. 3.
- Chaitas, S. & A. Solodkin & J. Baron (1998) .Student's Attitudes Toward Social Dilemmas in Argentina, Mexico, and The United State. <http://www.sas.upenn.edu/~jbaron/virt.htm>. (document last modify date January 27, 1998).
- Digman. John M. (1990) "Personality structure: emergence of the five factor model" *Annual Review of Psychology* 41: 417-440.
- Elster. Jon (1989) .*Solomonic Judgments: Studies in the Limitations of Rationality*. Cambridge University Press.
- Esther M. Arkin & Michael A. Bender & Joseph S.B. Mitchell & Steven S. Skiena (2003) “The Lazy Bureaucrat scheduling problem” *Information and Computation* 184(1) : 129-146.
- Goldsmith, Jack L.; Posner, Eric A. (2002) “Moral and Legal Rhetoric in International Relations: A Rational Choice Perspective” *Legal Studies* 31: 115-137.
- Kim, Marlene (1998) “The working poor: lousy jobs or lazy workers?” *Journal of Economic Issues*. 32(1): 63-83.
- Levin, Murray (2000) .*Political Alienation in man Alone*. NY: McGraw-Hill.
- McClelland, David C. (1961) .*The Achieving Society*. New York: The Free press.
- Merton, Robert K. (1957) .*Social Theory and Social Structure*. NY: The Free Press.
- Parsons, Talcott (1951) .*The social system*. New York: Free press.
- Parsons, Talcott (1968) .*The structure of Social Action*. New York: The Free press.
- Rogers, E. (1966) .*Modernization Among Peasants*. NY: Holt.
- Stipek, D., Weisz, J., (1981) “Perceived Personal Control and Academic Achievement”, *Review of Educational Research*, 52:101-37.
- Udehn, L. (2001) .*Methodological Individualism; Background, history and meaning*. London: Routledge.
- Vrucetic, Srdjan (2002) .*traditional versus Societal Security and the Role of securitization*. free university of Berlin and York university
- Williams, K. D. , & Karau, S. J. (1991) “Social loafing and social compensation: The effects of expectations of co-worker performance” *Journal of Personality & Social Psychology*, 61 (4) , p.p 570-581 .
- Wood, Alan T. (2004) .*Asian Democracy in World History*. London: Rutledge.
- Zaehner, G. (1972) . *Zurvan: A Zoroastrian Dilemma*. Oxford: Oxford University Press.

Social Laziness and Factors Influencing It

Mohammad Reza Javadi Yeganeh
Associate Professor, Department of Sociology, University of Tehran
myeghaneh@ut.ac.ir

Majid Fouladiyan
PhD Student, Department of Sociology, University of Tehran
m.fouladiyan@gmail.com

Abstract

Social Laziness has been attention in recent years in Iran and there are also representations in the society such as; low work efficiency, lots of holidays, overweight and sedentary. Despite the importance of this issue, a direct sociological research has not been done about it. This paper wants to study amount and factors influencing on social laziness in the form of a concept in the framework of Rational Choice theory. Method of this research is survey on 1256 of Tehran citizens. The finding indicate that tendency to laziness in Tehran is at least %20. The interpretation of this finding express this trend of tendency to laziness is not increasing. The most important factors influencing on laziness in Multivariable Analysis is fatalism, sense of powerlessness and autonomy. The final finding is low tendency to laziness do not show low rate of that, because social status is facilitating laziness in society.

Keywords: Social Laziness, procrastination, Negative Mood, Fatalism, Rational Choice